

## سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک و بخش چاپ نشده آن

به کوشش کیومرث محمودی

مرحوم منوچهر محمودی<sup>۱</sup> که پسرعموی پدرم بودند، سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک<sup>۲</sup> (نایب اول وزارت امور خارجه) را که پدر بزرگ مادری‌اش بود، در سال ۱۳۵۱ تنظیم و چاپ کرد. سال ۱۳۶۵، روزی به نگارنده این سطور گفتند: پس از چاپ سفرنامه، یکی از بستگان اوراقی را به من دادند که نوشته اعتصام‌الملک بوده و درباره افغانستان است، اگر زمانی سفرنامه به چاپ دوم رسید، مایلیم در انتهای آن چاپ شود. پس از مدتی، اوراق را به من سپردند. اکنون پس از ۲۵ سال به نشر آن می‌پردازم تا اگر روزی آن کتاب به چاپ دوباره رسید، این گفتار در پایان آن بیاید. اینک متن این سفرنامه تقدیم خوانندگان عزیز می‌گردد:

۱. منوچهر محمودی ۱۳۷۷-۱۲۹۱ خ. فرزند عباسقلی خان ملقب به مشیر علوم و هما خانم محمودی (مقالات این خانم در مجله عالم نسوان در سال ۱۲۹۹ به چاپ رسیده است). دیپلمه هنرستان موسیقی و لیسانسه باستان‌شناسی از دانشسرای عالی بود. دوران خدمت را در وزارت فرهنگ گذراند. تألیفات: ۱. جمال‌شناسی از نظر موسیقی از: آ. لاونیاک، ترجمه منوچهر محمودی، چاپ سال ۱۳۲۶؛ ۲. شش آهنگ محلی از دشت باوی، چاپ ۱۳۲۸؛ ۳. شمه‌ای از تاریخ خانواده خانلری و محمودی چاپ ۱۳۳۸؛ ۴. سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک چاپ ۱۳۵۱؛ ۵. تاج و تاج‌گذاری (برای دانش آموزان) چاپ ۱۳۵۵ و ۶. سر دبیری روزنامه روزنو (ارگان پیکار با بی‌سوادی) و چاپ مقالات در روزنامه مهرگان؛ روزنامه زنگ. مجله آموزش و پرورش؛ مجله پیک دانش‌آموز مرحوم منوچهر محمودی نوازنده ویولن در گروه موسیقی به رهبری ابوالحسن صبا.... بود.
۲. میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک ۱۳۱۵-۱۲۴۳ ق. فرزند میرزا احمد (محمدعلی) مازندرانی میرزا خانلرخان، برادر بزرگ میرزا محمود خان مشاورالملک محمودی و پدر بزرگ دکتر پرویز ناتل خانلری بود. خانواده‌های خانلری و محمودی، فرزندان میرزا محمدعلی مازندرانی هستند.

برای چاپ در سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک ۱۲۹۴ هـ. ق

### اخبار افغانستان

از اخبار افغانستان، آنچه از نوشته‌جات تجار قندهار و تقریر مترددین شهرت دارد و به تواتر خبر رسیده، این است که انگلیس، یعنی بیست فوج از انگلیس که گویا صاحب منصب‌های آنها انگلیسی باشند و سرباز هندی، از کلات نصیر حرکت کرده، پنج منزل رو به طرف قندهار آمده، در شالکوت که آخر خاک بلوچستان و سرحد افغانستان است و از اینجا تا قندهار هشت منزل است، اردو زده و سی چهل هزار به دو روایت از بلوچ، سوار و پیاده گرفته، سوار را روزی دو ریال و پیاده را یک ریال صُرّه می‌دید. از آن طرف، شیرعلی‌خان هم پنجاه هزار از قشون قندهار و هرات و غیره ابواب جمعی میر افضل خان پدر زن خود نموده، او را برداری و حکومت قندهار و کناره هیرمند فرستاده است. یک نفر صاحب منصب انگلیسی، سیر مالک صاحب را که در نواحی قندهار نقشه می‌کشیده است به اشاره شیرعلی خان کُشته و در وقتی که او را شمشیری می‌کردند، التماس کرده بود که مرا نکشید، پنجاه هزار روپیه به حواله تاجر هندی می‌دهم. مهلتش دادند. برات حواله پنجاه هزار روپیه را از او گرفته، بعد او را کُشته؛ قاتل‌های او را شیرعلی خان به کابل طلبید و انعام و خلعت داده و به همه افغانستان اعلام کرد که با انگلیس جهاد می‌کنیم.

از هرات تاجری نوشته بود این خبر که به انگلیسی‌ها رسید. پیغام کردند که ما با شما جنگ نداریم، ما برای حمایت دولت عثمانی و به امر سلطان اسلام، با روس می‌خواهیم جنگ کنیم. از شما راه می‌خواهیم و اگر شما با ما جنگ بکنید، ما هم جنگ می‌کنیم. اما جنگ شما جهاد نیست که در واقع با سلطان اسلام جنگ کرده‌اید، و نوشته بودند که امر نامه هم از سلطان به امیر شیرعلی‌خان دارند که قشون انگلیس را راه بدهد و قبول نکرده است و در این نوشته هرات نوشته بود سفیری از روس نزد شیرعلی‌خان آمده که هر چه قشون و امداد می‌خواهی، می‌دهیم. شیرعلی‌خان قشون را قبول نکرده، چند عَرّاده توپ و دویست هزار چخماق خواسته است؛ قبول کرده‌اند که بدهند. حالا شیرعلی‌خان منتظر رسیدن توپ و چخماق است که برسد و خود هم به سمت قشون انگلیس حرکت کند.

نوشته بود به انگلیسی‌ها که از این‌های و هوی افغان‌ها احتیاط نکنند؛ زود بیایند که قندهار مال شماست. این کاغذ را گرفته، بردند نزد شیرعلی‌خان. فرستاد او را گرفته، در قندهار ریشش را تراشیده است، و صورتش را ماست مالیده و بر الاغی سوار کرده، در کوچه و بازار گردانیده، به کابل بردند. شیرعلی‌خان علما را جمع کرد. نوشته او را به علما نمود و پرسید حکم شرع درباره این شخص چیست؟ همه گفتند کافر است و حکم به قتلش کردند. به حکم علما، او را سنگسار کردند؛ بعد از فوتش جسد او را آوردند، در حضور شیرعلی‌خان با سرنیزه سربازها پاره‌پاره و ریزریز کردند. نوشته بود از قراری که معلوم شد، قاضی بزرگ کابل هم با این عبدالرحمن در سازش با انگلیسی‌ها متفق بوده است؛ اما معلوم نشده است که با او چه معامله کرده‌اند. او بسیار سرسخت است و اگر این‌طور باشد، نفاق عظیمی میان خود افغان‌ها خواهد افتاد. دو نفر تاجر قندهاری در بیرجند هستند. آنها حکایت کردند که از قندهار به او نوشته‌اند که میرزا فضل‌خان

سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک و بخش چاپ‌نشده آن / کیومرث محمودی

رفته است به سمت شالکوت در مقابل قشون انگلیس چوئی انداخته؛ یعنی سنگی ساخته و قراول و ساخلو گذاشته است. انگلیسی‌ها به او پیغام کرده‌اند که ما به افغانستان نمی‌آئیم، به سیستان خواهیم رفت و یک صاحب منصب انگلیسی با چهارصد سوار و جمّازهدار، از آن اردو به طرف... آمده و می‌گفت از خاران هم گذشته‌اند. آنچه محقق است و در همه نوشته‌جات و نقل مترددین متفق علیه است، اردو زدن انگلیس است در شالکوت و مشغول قشون گرفتن از بلوچ و جمع آذوقه به هر قیمت که باشد. و مردم آن اطراف هر کس هر چه دارد، به دوش خود حمل به اردوی انگلیس می‌کند و هر چه هم ببرند، می‌گیرد و پول می‌دهد و مشغول است به ساختن قلعه‌جات و آبادی.



میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک در لندن

سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک و بخش چاپ‌نشده آن / کیومرث محمودی



پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰

از راست به چپ: میرزا محمودخان مشاورالملک - استاد غلامرضا شیشه‌گر - میرزا خانلرخان  
اعتصام‌الملک

سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک و بخش چاپ‌نشده آن / کیومرث محمودی



میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک

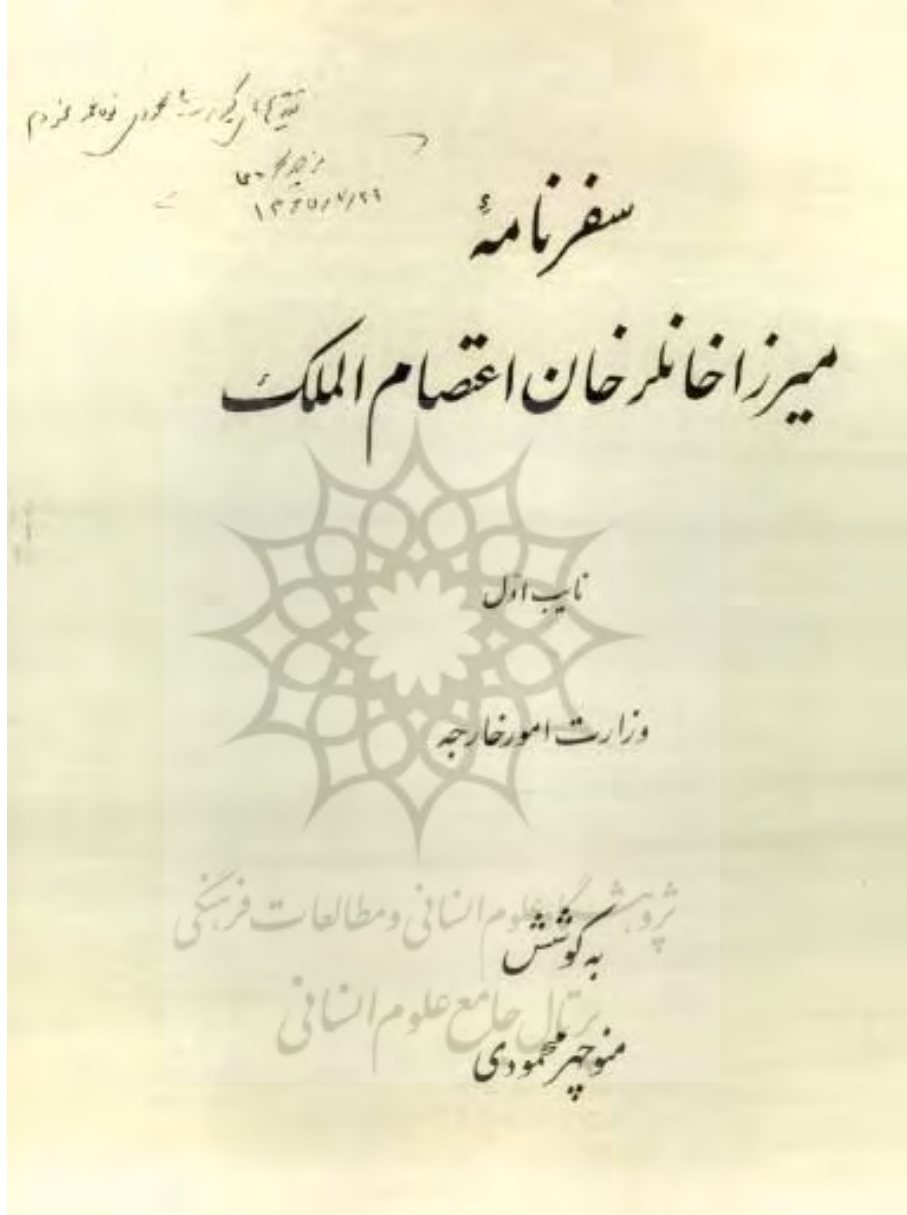
پیام بهارستان / د، ۴، س، ۴، ش، ۱۴ / زمستان ۱۳۹۰





وصیت‌نامه اعتصام‌الملک

سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک و بخش چاپ‌نشده آن / کیومرث محمودی



## این کتاب شامل هفت فصل است :

فصل اول : شرح حال میرزا خانلرخان اعتصام‌الملک  
از صفحه یازده تا سی و یک

فصل دوم : روزنامه سفر لندن از تاریخ ۱۷ محرم ۱۲۸۰ تا دهم  
شوال ۱۲۸۱ از صفحه ۷ تا ۵۶

فصل سوم : روزنامه سفر عتبات بین سالهای ۱۲۸۴ و ۱۲۸۵ هـ - ق  
صفحه ۵۹ تا ۷۱

فصل چهارم : روزنامه سفر قائن از تاریخ ۲۵ ذیحجه ۱۲۹۳ تا ۲۱ صفر  
۱۲۹۶ به‌علاوه راپرت اطلاعات طبس صفحه ۷۵ تا ۳۱۰

فصل پنجم : راپرت اطلاعات قائن صفحه ۳۱۳ تا ۳۲۱

فصل ششم : فهرست اعلام اشخاص . صفحه ۳۲۵ تا ۳۴۳

فصل هفتم : فهرست اسامی جغرافیائی . صفحه ۳۴۷ تا ۳۵۳